

## قانون مجازات عمومی

ثانیاً در بیشتر موارد مأمورین زیر دست مکلف باطاعت از مأمورین بالاتر خود بوده و مخصوصاً اطاعت مزبوره درباره مأمورین نظامی در حدود خدمتشان مطلق و در اجرای امر مافوق خود فاقد مسئولیت اندهمین جهت است

(\*) ماده ۱۳۹ - هر يك از مستخدمین و مأمورین دولت اعم از قضائی و اداری و همچنین هر يك از مستخدمین و مأمورین ادارات شوروی و بلدی که برای انجام امری که از وظایف آنان است وجه یا مالی را قبول کند خواه آنکار را انجام داده یا نداده و انجام آن امر بر طبق حقانیت بوده یا نبوده باشد مرتشی محسوب و بدو سال تا پنج سال حبس مجرد و بلاوجه بتادیه آنجه گرفته است محکوم خواهد شد و نیز هر يك از اشخاص مذکوره در فوق هر گاه در مقابل اخذ وجه یا مال از انجام امری که وظیفه ایشان است امتناع ورزند مرتشی محسوب و بمجازات فوق محکوم خواهند گردید

تبصره - هر گاه ثابت شود که راشی برای حفظ حقوق حقه خود ناچار از دادن رشوه بوده وجه یا مالی که برشوه داده شده باو مسترد می گردد

ماده ۱۴۰ - هر يك از حکمها و ممیزین و مصدقین اعم از اینکه بتوسط محکمه معین شده باشد یا بتوسط طرفین هر گاه در مقابل اخذ وجه یا مال بمساعدت یکی از طرفین تسلیم رأی کنند محکوم بحبس تأدیبی از دو ماه تا یکسال خواهند بود

ماده ۱۴۱ هر گاه اخذ رشوه برای ارتکاب جنایتی باشد مجازات همان جنایت در باره مرتشی مقررات

ماده ۱۴۲ - هر کس برای اقدام با امری یا امتناع از انجام امری که از وظایف اشخاص مذکوره در ماده ۱۳۹ و ۱۴۰ (\*)

که عاباً بین مأمورین نظامی و غیر نظامی فرق گذارده و بسیاری معتقدند دسته اخیر در تشخیص قانونی بودن اوامر و صلاحیت امر دهنده وظیفه و تکلیف بیشتری داشته و در صورت تجاوز یافتن امر از حدود قانون و صلاحیت ما

(\*) میباشد در وجه یا مالی بدهد راشی محسوب و در صورتیکه از مستخدمین دولت باشد مجازات مرتشی را خواهد داشت و اگر از مستخدمین دولت نباشد بدو ماه الی یکسال حبس تأدیبی یا بتادیه غرامت از یکصد تومان الی یکهزار تومان محکوم خواهد شد

ماده ۱۴۴ - هر گاه حکام محاکم جنائی برای حکم دادن بر علیه یا له متهم بهر اسم و رسم که باشد وجه یا مالی بگیرند محکوم بحبس مجرد از دو تا ده سال خواهند گردید

ماده ۱۴۵ - در صورتیکه حکام محاکم بواسطه ارتشاء حکم مجازات اشد از حبس مجرد داده باشد همان مجازات درباره خود قاضی نیز مقررات

ماده ۱۴۷ - اگر برای مقاصد مزبوره در مواد ۱۳۹ و ۱۴۰ و ۱۴۱ و ۱۴۴ مالی بلا عوض یا فاحشاً ارزانتر از قیمت معمولی یا صورتاً بقیمت معمولی و حقیقتاً به قیمت کمتر فاحشی به مستخدمین دولتی اعم از قضائی و اداری بطور مستقیم یا غیر مستقیم منتقل شود یا برای همان مقاصد مالی فاحشاً گرانتر از قیمت معمولی و یا صورتاً به قیمت معمولی حقیقتاً به قیمت گرانتر فاحشی از مستخدمین مستقیماً یا بطور غیر مستقیم خریداری گردد مستخدمین مزبور مرتشی و طرف معامله نیز راشی محسوب میشود

ماده ۱۴۹ هر يك از فرماندهان و صاحبمنصبان کل و جزء قوای مسلحه دولتی که پس از تقاضای کتبی قوای کشوری (\*)

آزادی در تصمیم و سرپیچی از انجام برایشان میسر تر است و حال آنکه درباره نظامیان بالاخص و ضربازان و افراد زیر دست امر مافوق در حدود خدمت و وظیفه آنها مطلق و حتمی الاجرا بوده حق بازرسی یا اندیشه و تأمل در اجرای او امر باین دسته نیست بلکه در صورت قانونی نبودن یا خارج بودن امر از صلاحیت آمر مام مسئولیت منحصراً بشخص اخیر توجه مییابد

این نکته را نیز تذکر دهیم - که چنانچه اشاره شد - برای آنکه مسئولیت اجرا کننده بکلی منتفی باشد شرط اصلی در عدم مسئولیت همانا : در حدود خدمت و وظیفه بودن امر انجام شده است پس مداخله مأمورین در اموری که خارج از حدود و صلاحیت یا وظیفه رسمی و یا حوزه مأموریت آنهاست و یا امر آنها بزیر دستان در موارد فوق مؤثر در ایجاد مسئولیت و تقصیر آنها خواهد بود و امام مسئولیت افراد نظامی فقط وقتی متوجه زیر دستان هم می شود که امر صادره بکلی از تکلیف و وظایف سربازی و سپاهگیری خارج باشد که در این مورد اشخاص نامبرده نیز از مسئولیت بری نخواهند بود - شما در تشخیص مسئولیت و تقدیر بین افراد نظامی و غیر آن فرق بزرگی در عهده اثبات موجود است باین

معنی که در باره دسته اول اصل عدم مسئولیت و اطاعت آنها از امر آمر و خلاف آن محتاج باثبات است برعکس در مورد دسته دوم یعنی افراد عادی و غیر نظامی اصل مسئولیت و بصیرت آنهاست بقانونی بودن امر و خلاف آن مستلزم اقامه دلیل و اثبات است

حال اگر مأمور زیر دست امر مافوق را مطابق با وظیفه خود دید و صلاحیت اصدار امر از ناحیه بالا و اجرای آن از طرف مأمور نیز محقق و ولی شرط اول یعنی قانونی بودن امر وجود نداشت در این صورت شخص امر دهنده به تنهایی مسئول و مستحق مجازات بوده مأمورین زیر دست و اجرا کنندگان مصون از تعرض و تعقیب اند .

همچنین است حال مأموری که در اجرای امر بالا ناگزیر و سر پیچی از آن خطرات مهمی برای او ایجاد کند : مثل آنکه عدم انجام امر آمر خطرات جانی برای مأمور تولید و مشارالیه در انجام آن مکره باشد .

گرچه قانون مجازات عمومی ایران در این باب نص صریحی نداشته و مورد نیز با هیچیک از موارد امر آمر قانونی قابل انطباق نیست لکن با رعایت اوضاع و احوال و نحوه وقوع عمل ممکن است آنرا با ماده ۴۰ تطبیق و چنانچه شرایط و موجبات اجبار و اکراه در شخص مأمور جمع باشد با استناد ماده نامبرده ویرا از مجازات معاف نمود .

حتی گاه می شود که اجبار چنین اشخاص بدرجه نیست که بتواند با ماده ۴۲ تطبیق و بالنتیجه مؤثر در عدم مسئولیت آنان گردد علیهذا از نظر اینکه در مقام اجرای امر اخلاقاً الزاماتی وجود داشته و تصور یا احتمال گرفتاری و ضرر برای مأمورین از سرپیچی ممکن یا محرز باشد در باره اشخاص نامبرده می توان کیفیات مخففه را رعایت نمود و حال آنکه همین کیفیات در حق آمرین نتیجه معکوس داشته و سبب تشدید در مجازاتشان می شود - ( بهمین نظر برخی از قوانین مجازات ما میزان مسئولیت آمر و محرک را با فاعل و مرتکب مساوی دانسته اشخاص نامبرده را هم در ردیف فاعل اصلی مجازات میدهند .

(۵) که در حدود قانون است از اجرای مأموریت و وظیفه خود امتناع نماید از يك ماه الی شش ماه محکوم بحبس خواهد گردید و هر گاه از این امتناع خسارتی وارد شود بچیران خسارت وارده نیز محکوم خواهد شد

ماده ۱۵۰ - هر يك از قضاء محاکم یا مستنطقین یا مدعی العموم ها که تظلمی مطابق شرایط قانونی نزد او برده شده و رسیدگی به آن از وظایف او بوده و با وجود این بهر عذر و بهانه اگرچه بهر سکوت یا اجمال یا تناقض قانون امتناع از رسیدگی کند یا صدور حکم را برخلاف قانون بباخیر اندازد یا برخلاف صریح قانون رفتار کند از شغل قضائی منحل بلایه بتادیه خسارات وارده نیز محکوم خواهد شد